

پاندمی کرونا، فاجعه زیست محیطی و سرمایه داری جهانی: یک پدیده در هم تنیده

مهدی کیا

ترجمه از پریسا امجدی

بیماری همه گیر کوید-۱۹ از پیوندهای ساختاری تنگاتنگ میان بحران اقلیمی و شیوه تولید سرمایه داری جهانی پرده برداشته است. (۱) این سناریویی است که چپ سوسیالیست باید آن را در مرکز فعالیتهای خود قرار دهد. فاجعه اقلیمی نه تنها برای بخش عظیمی، پیر و جوان، حائز اهمیت ویژه‌ای است، بلکه از نظر جنسیتی بیطرفانه است، تأثیرات آن بطور ناهمگونی بر محروم ترین اقشار جامعه سنگینی می‌کند، و طبیعتاً یک مساله جهانی است. تأثیرات مخرب بحران اقلیمی بر روی زندگی مردم پیوند مستقیم با ضرورت مقابله با نظام سرمایه داری، برقراری انترناسیونالیسم و سوسیالیسم دارد. در یک کلام، فاجعه جهانی اقلیمی نه تنها از پتانسیل بالایی برای متحد کردن همه سنین و بسیج جوانان برخوردار است، بلکه ذاتاً ضد سرمایه داری است، و مرزهای ملی را به رسمیت نمی‌شناسد. بدین ترتیب چپ انقلابی می باید مبارزه علیه فاجعه جهانی اقلیمی را در مرکز برنامه خود قرار دهد.

اپیدمی ها

انسان از زمان طلوع تاریخ با اپیدمی ها زندگی کرده است. نیروی محرک برای همه گیر شدن اپیدمی ها ریشه در توانایی موجودات میکروسکوپی اعم از ویروس یا باکتری دارد که میتوانند با تکثیر سریع خود از طریق انتقال یک فرد مبتلا به افراد دیگر، تعدادی زیادی را مبتلا کنند. ساختار اجتماعی مقاطع تاریخی متفاوت نقش تعیین کننده ای در شکل گیری ماهیت اپیدمی هایی که انسان با آن روبرو میشوند بازی میکند. از این رو، در کانون همه اپیدمی ها ماهیت اجتماعی گونه ما بعنوان گونه انسان آگاه (*homo sapiens*) نقش بسزایی دارد. از این منظر است که ماهیت اپیدمی ها و پندمی های دوران مدرن، در اصل، با اپیدمی های دوران گذشته متفاوت است چرا که بطور عمده این ماهیت تولید است که ساختار اجتماعی را تعیین میکند. (۲) ما میتوانیم از مورد اچ.آی.وی (HIV) بعنوان یک نمونه استفاده کنیم.

اچ.آی.وی از طریق نوترکیبی دو ویروسی که میزبان آنها گونه میمون بود، بوجود آمد و در اوایل قرن بیستم وارد بدن انسان شد. (۳) با این حال، تا زمان بنای راه آهن و جاده ها و رشد صنعت استخراج معادن در مرکز و غرب قاره آفریقا که باعث جذب کارگران مهاجر شد، گسترش ویروس فقط در میان گروههای کوچکی در غرب آفریقا محدود ماند. تحرک نیروی کار و تغییر در رفتارهای اجتماعی، دو عامل مهمی بودند که به گسترش اچ.آی.وی و سرایت آن از فرد به فرد کمک کردند. گسترش اولیه اچ.آی.وی عمدتاً در مسیر جابجایی های جمعیتی شامل مهاجرت نیروی کار، مهاجرت بین شهرها و روستاها، حمل و نقل، قاچاق مواد مخدر، مصرف گسترده مواد مخدر از طریق تزریق و اختلالات اجتماعی ناشی از جنگهای منطقه ای، بوقوع پیوست.

نقش کارگران جنسی در گسترش اچ.آی.وی از طریق ارائه خدمات جنسی به کارگران مهاجر کشاورزی ساحل عاج و معدنچینی که به دور از خانه و در خوابگاه های تک جنسیتی پیرامون معادن در کنگو، کووا زلوناتال در آفریقای جنوبی، کمر بند مس در زامبیا، مناطق صنعتی اوگاندا زندگی میکردند، بخوبی ثبت شده است. (۴) شیوع اچ.آی.وی در طول مسیر معادن به بنادر اقیانوس هند و اطلس گسترش یافت و پیوند مستقیمی بین افزایش شیوع اچ.آی.وی در میان ساکنین و فاصله محل زندگی آنها از بزرگراه ها مشاهده شد. میزان فاصله روستاها به محل توقف رانندگان کامیون رابطه مستقیم و معکوس با شیوع اچ.آی.وی داشت. عامل اصلی انتقال ویروس در جنوب شرقی آسیا و کشورهای عضو جماهیر شوروی سابق اساساً تزریق مواد مخدر بوده است. اچ.آی.وی تا به امروز تبدیل به یک پاندمی جهانی شده که تا پایان سال ۲۰۱۹ موجب مبتلا شدن ۷۵ میلیون انسان و مرگ ۳۲ میلیون نفر از طریق رابطه جنسی محافظت نشده (از طریق خرید سکس و یا شیوه های دیگر)، تزریق مواد مخدر و انتقال مادر به فرزند، شده است. (۵)

در مقالات بسیاری بطور مفصل به ارتباط تنگاتنگ گسترش پاندمی اچ.آی.وی و الگوی نئولیبرالی جهانی شدن، شامل تحرک نامحدود سرمایه، تجارت جهانی غیر قانونی مواد مخدر، از درون تهی کردن سیستم بهداشت و درمان در بسیاری از کشورها تحت برنامه تنظیم ساختاری صندوق بین المللی پول، پرداخته شده است. (۶) و من در اینجا به تکرار آنها نمیپردازم.

کوید-۱۹ (Covid-19)

ویروس سارز-کوو-۲ (SARS-CoV-2) همان مسیر گسترش انسان ساخته را طی کرد که اچ.آی.وی کرده بود و مبدل به پاندمی کوید-۱۹ شد. منشاء ویروس سارز-کوو-۲ به احتمال زیاد خفاش است. تحقیقات پیشین نشان داده است که ساختار ژنتیکی ویروسی که باعث بیماری کوید-۱۹ میشود، ۸۰ تا ۹۰ درصد با ویروس کرونا دیگری که میزبان آن خفاش است شباهت دارد. (۷)، و همانطور به ویروس کرونایی که در سال ۲۰۰۳ سبب پاندمی کوچتری به نام سارز (SARS) شد. (۸) انتقال سارز و کوید-۱۹ به انسان (یا بطور مستقیم و یا از طریق یک حیوان واسطه) احتمالاً از طریق فروش و ذبح حیوانات اهلی و وحشی در بازارهای خیس (بازار فروش و قصابی حیوانات زنده)، جایی که در آن تردد انسان ها در جریان است، بوقوع پیوست. ویروس برای عبور از یک بازار خیس در یک گوشه دنیا و بدل شدن آن به یک پاندمی جهانی به حامل ها بیشتری نیاز دارد.

۱- شبکه ارتباطات جهانی. سیاره ما در دوران کنونی بدلیل امکانات ارتباطاتی گسترده در سطح دنیا کوچکتر بنظر میرسد. در حال حاضر بیش از پنج هزار فرودگاه، ۱/۲ میلیون کیلومتر راه آهن و بیش از ۳۰ میلیون کیلومتر جاده در سطح جهان وجود دارد. (۹)

۲- جابجایی گسترده جمعیت. ما در عصر جابجایی گسترده جمعیت زندگی میکنیم. بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت، سازمان ملل متحد، گردشگری جهانی با جابجایی ۱/۵ میلیارد انسان در بین کشورها، پس از مواد سوختی و پتروشیمی در رتبه سوم قرار گرفت. (۱۰) علاوه بر این، ما جابجایی عظیم نیروی کار در درون و بین کشورها را داریم. (۱۱) بر اساس آمار سازمان بین المللی کار، در دسامبر سال ۲۰۱۸ تعداد ۱۶۴ میلیون کارگر مهاجر وجود داشته است. (۱۲) این آمار شامل مهاجرت های داخلی بین ایالت ها در کشورهایی نظیر چین با قریب ۲۸۸ میلیون نفر جابجایی (۱۳) و هند با ۱۳۹ میلیون نفر جابجایی، نمیشود. (۱۵)

۳- تراکم جمعیت. در حال حاضر ۵۵٪ از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی میکنند و پیش بینی میشود که این رقم تا سال ۲۰۵۰، به ۶۸٪ افزایش یابد. (۱۶). تعداد زیادی از مردم در زاغه ها و حلی آبادهایی که مدام در حال گسترش اند، زندگی میکنند. از استفاده مشترک یک اتاق توسط ۲۰ مهاجر گرفته تا اردوگاه های متراکم پناهندگان، تا استادیوم های ورزشی و کنیسه ها، کلیساها و مساجد، نماز جمعه و ازدحام جمعیت در مکانهای زیارتی، انسان ها بیش از پیش در هم فشرده میشوند.

نمیتوان از موجودات زونوتیک (میکروب ها و یا ویروس هایی که از گونه های دیگر منشاء میگیرند) بعنوان منشأ اصلی اپیدمی ها سخن گفت بدون اینکه اشاره ای به نوع دیگری از تراکم داشته باشیم و آن چیزی نیست مگر نگهداری متراکم حیوانات اهلی در مزارع صنعتی. طبق تخمین های سراسری در جهان، در حال حاضر ۱ میلیارد رأس گاو، ۱ میلیارد خوک و ۲۰ میلیارد مرغ در سیاره ما وجود دارد، چیزی معادل تمامی حیوانات اهلی در ۱۰ هزار سال گذشته. (۱۷) علاوه بر این، این حیوانات بتدریج در مزارع بزرگ تری پرورش یافته اند. در سال ۱۹۶۷، یک میلیون مزرعه خوک در ایالات متحده وجود داشت که در سال ۲۰۰۵ به صد هزار کاهش یافت. (۱۸) در حال حاضر بیش از نیمی از گوشت پرورشی جهان در مزارع صنعتی تولید میشود. یک کارخانه فرآوری گوشت خوک در آمریکا، روزانه بیست هزار خوک را برای تامین ۴ تا ۵ درصد مصرف روزانه قربانی میکند. (۱۹) همین کارخانه در ۱۵ آوریل ۲۰۲۰ بزرگترین تجمع مبتلایان به کوید-۱۹ را در امریکا داشت. (۲۰)

۴- شکسته شدن موانع بین حیوانات وحشی و انسانها، عمدتاً از طریق گسترش صنعت کشاورزی به طبیعت بکر و دست نخورده، مانند جنگلهای بارانی آمازون و جاهای دیگر. دلیل ظهور حداقل ۶۰٪ از پاتوژن هایی که سبب بروز بیماری در انسان میشوند را می توان به انتقال این پاتوژن ها از حیوانات وحشی به جوامع انسانی نسبت داد. (۲۱)

فجایع اقلیمی و سرمایه داری

مارکس از گسست متابولیک بین جامعه و طبیعت صحبت میکند، یا در جای دیگری بحران زیست محیطی را بعنوان "شکاف جبران ناپذیر در روند در هم تنیده متابولیسم اجتماعی" تعریف میکند: و اینکه سرمایه داری "منابع اصلی همه ثروت ها - یعنی زمین و نیروی کار" را تضعیف می کند. (۲۲) نوشته های فراوانی در باره پیوند بین تغییرات اقلیمی و شیوه تولید سرمایه داری، بویژه سرمایه داری نئولیبرال، وجود دارد. (۲۳)

کشاورزی تجاری و عبور (میکروب و ویروس) از گونه به گونه دیگر: راب والاک و همکارانش رابطه بین جریان سرمایه و کوید-۱۹ و سایر بیمارهای اپیدمیک را در مجله مانتهلی ریویو بررسی کرده اند. (۲۴) آنها در مطالعات خود بر نقش کشاورزی تجاری در پیوند حیوانات اهلی با موجودات زنده میکروسکوپی، انگشت گذاشته اند:

کشاورزی کالایی، از طریق توسعه جهانی، بعنوان محرک و رابطی عمل میکند که از طریق آن انواع گوناگون پاتوژن ها از مخازن نوردست روی زمین به درون مراکز جمعیتی در اقصاء نقاط جهان راه می یابند. در اینجا و از این طریق است که پاتوژن های جدید بدون جوامع در بسته کشاورزی رخنه میکنند. جنگل زدایی های پیرامونی برای گسترش زمین کشاورزی منجر به طولانی تر شدن زنجیره های تأمین کالای وابسته به صنعت کشاورزی میشود و بدین ترتیب پاتوژن های زئونوتیک متنوع تری شانس این را پیدا میکنند که وارد زنجیره غذایی انسان شوند. تب خوکی آفریقایی، کامپلوباکتر، کریپتوسپوریدیوم، سیکلوسپور، ابولای رستون، ای کولای O157: H7، بیماری جنون گاوی، هیپاتیت A، لیستریا، و ویروس نیپا، تب کیو، سالمونلا، و بیبریو، یرسینیا و انواع مختلفی از آنفلوآنزای جدید از جمله (H1N1 (2009، H1N2v، H3N2v، H5N1، H5N2، H5Nx، H6N1، H7N1، H7N3، H7N7، H7N9 و H9N2، پاتوژن های نوظهور ویا در حال ظهوری هستند که از منشاء غیر انسانی سرچشمه گرفته و اخیراً از طریق مواد غذایی ویا مزارع تولید مواد غذایی وارد حوزه انسانی شده اند. (۲۵)

جهانی سازی تولید. تاثیر فرایند جهانی شدن پروسه تولید بر آلودگی های زیست محیطی آنچنان آشکار است که نیاز به توضیح بیشتری ندارد. نابرابری رو به رشد در داخل کشورها و بین کشورها (۲۶) نیز همچنین پیامدهای ناخوشایند زیست محیطی بیشتری را به همراه دارند.

سود و رشد

سود و رشد دو بازوی سیستم سرمایه داری هستند که نقش بسزایی در تخریب طبیعت بازی می کنند. نقش این دو بازو در متابولیسم و در نتیجه بقاء سرمایه داری اساسی است. مارکس تئوری ارزش خود را از اقتصاد کلاسیک به دست آورد. بنا به گفته مارکس، بقاء سرمایه داری بدون سود ناممکن است، و از نظر او سود به معنای استخراج ارزش اضافه از نیروی کار است. ارزش اضافی تفاوت بین هزینه بازتولید نیروی کار و ارزش محصول در بازار است. سرمایه داری سود خود را از طریق شکاف بین این دو ارزش بدست میآورد و در اینجاست که یکی از تناقضات بنیادی سرمایه داری نمایان می شود. (۲۷)

همانگونه که مارکس استدلال می کرد، و داده های تجربی نیز تصدیق می کنند، تغییر در ترکیب ارگانیک سرمایه (نسبت بین سرمایه ثابت، هزینه های ابزار تولید و سرمایه متغیر، هزینه استخدام نیروی کار)، زمینه کاهش نرخ سود را بوجود می آورد. سقوط سود در دو تا سه دهه گذشته به طور عینی مستند شده است. (۲۸) با سقوط غیر قابل انکار نرخ سود، کاهش همزمان سرمایه گذاری در تولید نیز بوقوع می پیوندد. (۲۹)

حجم عظیمی از سرمایه، سوداگرانه در پی یافتن راه ها و آلترناتیو های جدیدی است و به سمت سرمایه گذاری در بخش املاک و مستغلات روی می آورد. افزایش نجومی قیمت ها در حوزه مسکن میتواند تأثیرات مخربی در افزایش اجاره بها، کوچکتر شدن مسکن برای خانوارهای پر جمعیت و در نتیجه آلودگی زیست محیطی داشته باشد (۳۰)، و از طرف دیگر منجر به افزایش تولید بی رویه اشیا و کالاهای لوکس شود. (۳۱)

بعد از توضیح مسئله سود به مسئله دوم یعنی رشد میرسیم که ربط مستقیمی به مسئله سود دارد. کاهش سود نیاز به رشد را تحمیل می کند. سرمایه قادر نیست که بدون رشد بی وقفه، تداوم سود را تضمین کند، و بدون سود امکان سرمایه گذاری وجود ندارد. کاهش سود و نیاز به افزایش رشد باعث شده تا سرمایه به حوزه های وسیعتری که بیشتر از دست اندازی به آنها اجتناب میکرد، چنگ بیندازد. بعنوان مثال میتوان به خصوصی کردن سازمانها و خدمات

عمومی همچون بهداشت - در آفریقا و نقاط دیگر دنیا و اخیرا سیستم بهداشت و درمان عمومی بریتانیا (NHS) - اشاره کرد. در حقیقت هیچ عرصه‌ای از دید سرمایه پنهان نمی ماند. آنچه که اساسا برای سرمایه داران مفت و مجانی بود (چیزی که مارکس هدیه مجانی طبیعت به سرمایه میخواند)، اکنون بیش از پیش به بخش خصوصی واگذار میشود. (۳۲) سرمایه برای بقاء خود راهی بجز خصوصی سازی، کالایی کردن، پولی کردن، و تجارتي کردن همه عرصه‌های طبیعت، و از جمله حریم ژنتیکی ما (DNA)، ندارد. (۳۳)

بخشی از باز توزیع طبیعت، خود را در قالب رانت برآمده از مالکیت زمین های کشاورزی، منابع معدنی و نگهداری اقلام قیمتی و نادر نظیر آثار هنری نشان میدهد. با ظهور چشم گیر سرمایه داری رانتي و امتیازاتي که نصیب طبقه رانت خوار از طریق خصوصی سازی زمین ها، منابع معدنی، کشاورزی و حق مالکیت فکری شده، به آنها اجازه میدهد که در منابع کمیاب سرمایه گذاری و قمار بکنند. (۳۴)

نقش انباشت اضافی سرمایه که همواره بدنبال راه و روش های تازه ای برای تحریک انگیزه های انسان به مصرف بیشتر است را، نباید در شتاب گیری بحران های زیست محیطی نادیده گرفت. نتیجه چنین وضعیتی تداعی روز قیامت است که در آن نه تنها ثبات اقتصادی-اجتماعی، بلکه حتی بقاء تمدن انسانی و بشریت در معرض تهدید قرار میگیرد. (۳۵)

بدیهی است که بشر برای بقای خود به کالاهای تولیدی و تولید مواد غذایی نیاز دارد. آنچه که چپ باید به آن توجه کند، پیوند بین سوداگرایی و آلودگی محیط زیست است. دقیقتر بگوییم، ارزش مصرف باید از ارزش مبادله جدا شود. (۳۶) همانطور که جان بلامی فاستر و برت کلارک تاکید کرده اند:

در توضیحات مارکس درباره سیستم ارزش کالایی تحت نظام سرمایه داری (و به طور کلی در اقتصاد سیاسی کلاسیک)، بنیان ثروت را ارزش مصرف تشکیل میدهد، که پایه طبیعی - مادی آنرا به تولید بطور عمومی پیوند میزنند. بر مقابل، ارزش (بر پایه نیروی کار اجتماعی مجرد) در نظام سرمایه داری صرفا از بهره برداری از نیروی کار ناشی میشود و فاقد هر گونه محتوای طبیعی - مادی است. بنابراین در سیستم سرمایه داری طبیعت بعنوان "هدیه رایگان به... سرمایه" تلقی می شود. این تضاد به عنوان تناقض لودردیل (Lauderdale) شناخته می شود، که از نام جیمز میتلند، کنت هشتم لودردیل، اقتصاددان سیاسی کلاسیک در اوایل قرن نوزدهم، برگرفته شده است. لودردیل خاطر نشان کرد که انباشت ثروت های خصوصی (ارزش مبادله) در سرمایه داری به طور کلی به تخریب ثروت عمومی (ارزش مصرف) بستگی دارد، تا بتواند انحصار و کمبودی را که برای روند انباشت ضروری است، ایجاد کند. (۳۷)

تضاد بین ارزش مصرف و ارزش مبادله در مرکز نقد مارکس از نظام سرمایه داری قرار دارد. (۳۸)

سوسیالیسم نیازمند است که تولید کنندگان مرتبط بشکل خردمندانهای متابولیسم جامعه و طبیعت را تنظیم کنند. در چنین چارچوبی است که مفاهیم کلیدی مارکس درباره "متابولیسم جهاتشمول طبیعت"، "متابولیسم اجتماعی" و "گسست" متابولیکی، دیدگاه انتقادی - زیست محیطی او را مشخص می کند. (۳۹) رویکرد مارکس، از این منظر، از تحلیل شکل ارزش زیست محیطی او، جدایی ناپذیر است. (۴۰)

پیوند آشکار بین شیوه تولید سرمایه داری و فاجعه زیست محیطی که روز به روز قابل مشاهده تر میشود و همه موجودات را در معرض خطر قرار میدهد، یک جو انقلابی را دامن زده است. (۴۱) اکنون وقت آن است که چپ سوسیالیست از شعار فراتر رود، مالکیت مساله زیست محیطی را بدست بگیرد، و آنرا در مرکز برنامه خود برای تحول انقلابی جهان بگنجانند.

برگرفته از:

Mehdi Kia (2020) 'The Coronavirus pandemic, ecological catastrophe and global capitalism: an interlocking phenomenon', Middle East 4 Change, 14 May 2020.
<http://www.middleeast4change.org/the-coronavirus-pandemic-ecological-catastrophe-and-global-capitalism-an-interlocking-phenomenon/>

1. See John Bellamy Foster and Brett Clark, *The Robbery of Nature: Capitalism and the Ecological Rift*, Monthly Review Press, New York.
2. See Shahmanesh, M, *Coronavirus and Capitalism*:
<https://weeklyworker.co.uk/worker/1295/coronavirus-and-capitalism/>
3. Wolfe, N *The viral storm* London 2011.
4. Shahmanesh M et al, *AIDS and globalisation*. <https://sti.bmj.com/content/76/3/154>
5. unaids.org/en/resources/fact-sheet.
6. Shahmanesh M et al, *AIDS and Globalisation*, *ibid*.
7. John S Mackenzie and David W Smith
<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7086482/>
8. <https://www.sciencedaily.com/releases/2017/11/171130141222.htm>
9. *The Viral Storm, ibid*.
10. <https://www.e-unwto.org/doi/pdf/10.18111/9789284421152>
11. <https://migrationdataportal.org/themes/labour-migration>
12. <https://migrationdataportal.org/themes/labour-migration>
13. <https://clb.org.hk/content/migrant-workers-and-their-children>
14. <https://www.weforum.org/agenda/2017/10/india-has-139-million-internal-migrants-we-must-not-forget-them/>
15. <https://www.unhcr.org/uk/figures-at-a-glance.html>
16. <https://www.un.org/development/desa/en/news/population/2018-revision-of-world-urbanization-prospects.html>
17. *The Viral Storm, ibid*.
18. *The Viral Storm, ibid*.
19. See Amanda Little, *The Fate of Food*, Harmony, 2019.
20. <https://www.bbc.co.uk/news/world-us-canada-52311877>;
<https://www.forbes.com/sites/jennysplitter/2020/05/04/smithfields-pork-processing-plant-reopens-today-in-sioux-falls-heres-why-its-still-vulnerable/#6aa3b7fc5fd6>
21. David Molyneux et al., “*Zoonoses and Marginalised Infectious Diseases of Poverty: Where Do We Stand?*,” *Parasites & Vectors* 4, no. 106 (2011).
22. Marx, *Capital* vol 1: 638 Penguin Press
23. David Molyneux et al., *ibid*; Robert G. Wallace and Rodrick Wallace, eds., *Neoliberal Ebola: Modeling Disease Emergence from Finance to Forest and Farm* (Basel: Springer, 2016);

Mike Davis, *The Monster at Our Door: The Global Threat of Avian Flu* (New York: New Press, 2005); Bryony A. Jones et al., “Zoonosis Emergence Linked to Agricultural Intensification and Environmental Change,” *PNAS* 110, no. 21 (2013): 8399–404; Naomi Klein, *On Fire: The (Burning) Case for a Green New Deal* (New York: Simon and Schuster, 2019); John Bellamy Foster, “Ecosocialism and a Just Transition,” *MR Online*, June 22; Naomi Klein, *This Changes Everything: Capitalism vs. the Climate* (New York: Simon and Schuster, 2014), 31–63; Bellamy Foster and Brett Clark, *The Robbery of Nature: Capitalism and the Ecological Rift*, *ibid.*

24. Wallace R, et al, *Covid-19 and Circuits of Capital*, <https://monthlyreview.org/2020/05/01/covid-19-and-circuits-of-capital/#en28backlink>
25. Wallace R et al, *ibid.*
26. David Harvey, *Seventeen contradictions of capitalism*, Profile Books 2014; Thomas Piketty, *Capital in the Twenty-First Century*, translated by Arthur Goldhammer, Harvard University press 2014.
27. David Harvey, *ibid.*
28. Maito, E.E. And yet it moves down . https://www.academia.edu/7876021/Maito_Esteban_Ezequiel_-_And_yet_it_moves_down_The_tendency_of_the_rate_of_profit_to_fall_in_United_Kingdom_1855-2009_; World in Crisis; Marxist Perspectives on Crash & Crisis, Edited by Guglielmo Carchedi and Michael Roberts
29. See David Harvey, *ibid*; Michael Roberts, *Marx 200 – a review of Marx’s economics 200 years after his birth*, London 2018
30. Rachel Weber, *From Boom to Bubble .How Finance Built the New Chicago*, University of Chicago Press, 2015; Mike Davis, *Planet of Slums*, Verso 2017.
31. *The future of Luxury: a look at tomorrow to understand today*, <https://www.bain.com/insights/luxury-goods-worldwide-market-study-fall-winter-2018/>; Pamela N Danziger, *4 Mega – Trends ahead for the luxury market*, <https://www.forbes.com/sites/pamdanziger/2018/12/18/whats-ahead-for-the-luxury-market-in-2019-expect-turmoil-and-slowing-sales/#66f2c3776578>
32. Marx and Engels, *Collected Works*, vol 3, 732-33
33. David Harvey, *Seventeen contradictions of capitalism*, *ibid.*
34. David Harvey, *Seventeen contradictions of capitalism*, *ibid.*
35. See Ian Angus, *Facing the Anthropocene*, New York: Monthly Review Press, 2016, 175–91.
36. John Bellamy and Brett Clark, *Marxism and the Dialectics of Ecology*, <https://monthlyreview.org/2016/10/01/marxism-and-the-dialectics-of-ecology/>
37. Foster, Clark, and York, *The Ecological Rift*, 53–72; James Maitland, Earl of Lauderdale, *An Inquiry into the Nature and Origins of Public Wealth and into the Means and Causes of Its Increase* (Edinburgh: Archibald Constable, 1819), 37–59; Marx and Engels, *Collected Works*, vol. 37, 732–33.

38. David Harvey, *ibid*; John Bellamy and Brett Clark, *ibid*
39. Karl Marx, *Capital*, vol. 3 (London: Penguin, 1981), 949; Marx and Engels, *Collected Works*, vol. 30, 54–66.
40. John Bellamy Foster and Brett Clark, *ibid*.
41. Naomi Klein, *On Fire: The (Burning) Case for a Green New Deal* (New York: Simon and Schuster, 201